|  |
| --- |
| مقطع تحصیلی:کاردانی🞏کارشناسی🞎 رشته:.روابط عمومی...کاردانی................ترم:..3.........سال تحصیلی: 1398- 1399  نام درس:...نظر سنجی....... نام ونام خانوادگی مدرس:.......آزاده نجفی.....................................  آدرس emailمدرس:.................drnajafi.99. تلفن همراه مدرس09122832242 |
| جزوه درس:......نظر سنجی.......... مربوط به هفته : هفنم  text: دارد 🞎ندارد\*🞎 voice:دارد🞎 ندارد🞎 power point:دارد🞎 ندارد🞎  تلفن همراه مدیر گروه : ......................................09124058720......  **منشأ تشكيل افكار عمومي و شرايط آن:**    در تعاريف افكار عمومي عموماً به چند ويژگي توجه مي شود، آشكاربودن، آگاهانه بودن، هوشيارانه بودن، و از وسعت كافي برخورداربودن.  براي افكار عمومي يك سري از موضوعات و شرايط بايد تبيين شود، يعني:  **1 ـ** بايد واقعه مركزي يا واقعه متناوب وجود داشته باشد تا مورد توجه افكار عمومي واقع شود. براي واقعه مركزي مي توان به ترور ـ سقوط هواپيما ـ زلزله ـ تصادف و انفجار ـ جنگ ايران و عراق ـ جنگ فلسطين و انتخابات و ... تمامي اين واقع در يك لحظه اتفاق مي افتد و افكار عمومي را مورد توجه قرار مي دهد.  واقعه متناوب بيانگر اين است كه وقايع كوچكي است كه در جامعه اتفاق مي افتد، باهم متفاوت اند و پشت سر هم رخ مي دهند و بر زندگي اجتماعي انسانها تأثيرگذارند و دولت بايد به اين مسأله رسيدگي كند يا اگر مشكل بود، حل كند. دولت و مردم يا با اين مشكلات مواجه مي شوند و آن را حل مي كنند يا در بعضي موارد عدم حل موضوع و ارائه راهكار باعث پديدايي مشكل جديدي مي شود.  **2 ـ** در شكل گيري افكار عمومي فضا بايد مساعد باشد.  **3 ـ** بايد افكار عمومي با فرهنگ جمعي انطباق داشته باشد ( فرهنگ و افكار عمومي ).  **4 ـ** بايد محتواي افكار عمومي پاسخگوي نيازهاي ظاهري و باطني افراد باشد.  **5 ـ** بايد افكار عمومي به واسطه رسانه ها گسترش يابد.  **6 ـ** بايد افكار عمومي با دخالت مستقيم مردم اشاعه يابد.    **پيشينه افكار عمومي در ادوار تاريخ:**    1 )  از آغاز تا قرون وسطي  2 )  از قرون وسطي تا رنسانس  3 )  از رنسانس تا قرن نوزدهم  4 )  از قرن نوزدهم تا عصر حاضر    **1 )  از آغاز تا قرون وسطي:**  در زمان هاي گذشته رسانه هاي جمعي وجودنداشت، اما درعوض شاهد احساسات عامه مردم بوديم كه به نوعي خود را در جامعه نشان مي داد، شايد بتوان گفت: قدمت افكار عمومي ريشه در تولد و برپايي نخستين دولت ها و كنش هاي تبليغاتي در عرصه زندگي تبليغاتي دارد.  مثلاً: از دوراني كه يونانيان به محافل عمومي مي رفتند يا رومي ها كه در ميادين و بازارها گرد هم مي آمدند، اداره و هدايت افكار عمومي اوليه را شاهد هستيم. مؤثرترين وسيله در اين دوره **سخنوري** است.    **2 )  از قرون وسطي تا رنسانس:**  در قرون ميانه حوزه هاي ارتباطي زندگي فردي و اجتماعي در محدوده حاكميت بي چون و چراي حكومت اشرافي ـ مذهبي و فئوداليسم ( زمين داري ) در غرب زمين آسيب مي بيند و كانال هاي ارتباطي مردم به نوعي محدود و يا بسته مي شود. دولت حاكم مطلق بود و افكار عمومي در فضاهاي بسته در محدوده هاي جغرافيايي كوچك تر، خموشانه به سير و سفر مي پرداختند.    **3 )  از رنسانس تا قرن نوزدهم:**  در برهه اختراع چاپ در نيمه اول قرن 15 توسط گوتنبرگ آلماني كه شاهد رسانه اي شدن فرهنگ و شكل گيري جدي تر افكار عمومي هستيم. با روند پيشرفت در حوزه چاپ اولين روزنامه به معناي واقعي 1615 ميلادي به نام فرانكفورتر ژورنال پايه گذاري شد كه فرصت مناسبي به دولت آلمان داد كه افكار عمومي را هدايت كند.  فيلسوف معروفي به نام ماكياولي ( اهل ايتاليا ) در كتاب معروف شهريار خود به افكار عمومي اشاره مي كند و مي گويد: شهرياران بايد افكار عمومي را در محاسبات خود لحاظ كنند در اوايل قرن هفدهم ميلادي كه بعداز سپري شدن قرون وسطي است، بسياري از مسيحيان براي تبليغ عقايد ديني خود اشتغال مي ورزند در دوره هاي بعد نيز شاهد انقلاب كبير فرانسه ( 1789 ) كه افق نوظهوري را در عرصه مسائل سياسي رقم زد و مطبوعات سياسي فرانسه بسيار در هدايت افكار عمومي نقش آفرين بودند يعني از دوره رنسانس تا قرن نوزدهم بحث هاي استعماري، انقلاب فرانسه، زمينه ساز دگرانديشي و پويايي را در اروپا باعث شد كه بسياري از فلاسفه اجتماعي مثل ژان ژاك روسو ( نويسنده كتابهاي قرارداد اجتماعي و اميل ) وي در زمينه افكار عمومي مطالب قابل توجهي دارد، تقريباً در اين برهه هاي زماني كه شاهد سرايت مسائل افكار عمومي به ساير حوزه جغرافيايي هستيم، آبراهام لينكلن ـ رئيس جمهور آمريكا در قرن 19 ـ دانش افكار عمومي را براي حكومت مهم تلقي مي كند، در يك سخنراني اعلام مي دارد، افكار عمومي همه چيز است و دليل موفقيت دولتمردان منوط به آن است و هيچ سياستي بي آن پيروز نمي شود.      **4 )  از قرن نوزدهم تا عصر حاضر:**  3  دهه پاياني قرن نوزدهم دوران رشد سريع كاپيتاليسم در بسياري از كشورهاي جهان سوم بود، در اين دوره وسايل ارتباط جمعي و آموزشي ( نهادهاي آموزشي ) رشد چشمگيري يافت و رقابت در عرصه هاي اقتصادي باعث شد مقوله افكار عمومي بسيار مورد توجه قرارگيرد و مطالعات و پژوهشگاه هاي علمي را شاهد هستيم كه گسترش پيدا مي كنند و انديشمندان و پژوهندگان در اين عرصه مطالعاتي كارهاي پژوهشي را در ارتباط بحث هاي سياسي و اقتصادي دنبال مي كنند، مثلاً: لارنس لاول افكار عمومي و حكومت هاي مردمي را منتشر مي كند و روزنامه نگار و مفسر سياسي آمريكا ( والتر ليپ من ) كتاب افكار عمومي را منتشر مي كند.  در مكتب شيكاگو در آمريكا و مكتب هاروارد هر دو در شكل گيري نظريه هاي اجتماعي مؤثر بودند، اما مكتب شيكاگو با بسياري از انت نو گرافي ها ( مردم نگاري ها ) در حوزه مسائل شهري و آسيب هاي اجتماعي جزء مكاتب مهم و اساسي شناخته مي شود، همين طورشخصيت معروف آلماني ـ فرديناند تونيس ـ با طرح اصطلاح گمنشافت و گزلشافت يعني اجتماع و جامعه، افكار عمومي را **مظهر اخلاقيات جامعه**  تعبير مي كند، حتي در سطح عالي تر از دولت نيز قرار  مي دهد و نقش افكار عمومي را در كنترل مردم را با مذهب در جوامع قديمي بررسي مي كند يعني همچنانكه مذهب و دين در دوره هاي گذشته عامل بسيار مهمي در زمينه كنترل و همبستگي بشمار مي رفت، افكار عمومي نيز در دوره جديد نگاه تونيس كنترل مردم را دردست گرفته است.  به تدريج از نيمه دوم قرن بيستم بر اثر گسترش شهرنشيني ( Organization ) همين طور افزايش رسانه هاي ارتباط جمعي، افزايش جمعيت و نقش مردم بسيار مهم شناخته مي شود، در چنين شرايطي بسياري از پژوهشگران انتقادي نگر، مثلاً فرانكفورتي ها يا مكتب انتقادي مثل هابرماس، آدورنو، هورك هايمر، ماركوزه و والتر بنيامين و سي رايت ميلز و هربرت شيلر در آمريكا،‌آنتونيو گرام شي در ايتاليا، لويي آلتوسه و نيكولاس پولازاس در فرانسه و رالف ميلي باند و استوارت هال در انگليس و هابرماس در آلمان، بسيار در اين زمينه ها نظريه پردازي كرده اند و ديدگاههاي ارزنده اي نيز دارند. |